

فصل سوم - مضاربه

مقدمه

در فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی^۱ آمده است:

«مضاربه مشتق است از «ضرب در ارض» یعنی راه رفتن و سفر کردن در زمین بدین

لحاظ که در مضاربه شخص عامل به منظور تجارت و تحصیل ربح به مسافرت مبادرت

می نماید و چون سفر به سرمایه مالک و اقدام عامل انجام می گیرد یعنی هر یک از آنها

در این عمل مدخلیت و تأثیر دارند بدین جهت معنی مقاعله (مضاربه) تحقق دارد. از

مضاربه به «قراض» نیز تعبیر شده است و لفظ قراض مأخوذ است. از قرض یعنی قطع

و جدا نمودن بدین لحاظ که گوئی صاحب مال قطعه ای از مال خویش را جدا می کند

و به عامل می دهد و یا قطعه ای از ربح را جدا ساخته و درمقابل عمل به وی میدهد.

بدین ترتیب مضاربه یا قراض این است که شخص مالی را به دیگری دهد تا با آن

تجارت نماید و در مقابل حصه ای از ربح مانند نصف یا ثلث مثلاً از آن وی باشد و به

عبارت دیگر مضاربه عقدی است شرعی که غرض از آن تجارت انسان به مال غیر

دیگری است و ربح مشترک می باشد، مالک یا صاحب مال را مقارض (مضارب) می

گویند و عامل را مقارض و نیز مضارب می نامند.»

^۱- فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات) تحقیق و نگارش
محسن جابری عربطو، انتشارات امیرکبیر سال ۱۳۶۲، صفحه ۱۶۴.

طبق قانون مدنی:

«مضاربه عقدی است که به موجب آن احد از متعاملین سرمایه می دهد با قید اینکه

طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشد. صاحب سرمایه مالک و عامل

مضارب نامیده می شود. سرمایه مضارب باید وجه نقد باشد.»

در آئین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا و همچنین دستورالعمل اجرائی مضاربه

تعریضی به شرح زیر از مضاربه ارائه شده است:

«مضاربه، قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین

سرمایه (نقدی) می گردد و یا قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در

سود حاصله شریک باشند.»

ویژگی های مضاربه

عقد مضاربه دارای خصوصیات ذیل است:

۱- مضاربه از جمله عقود جایز است و از این رو هر یک از طرفین اختیار فسخ قرارداد

را دارند مگر اینکه در قرارداد شرط دیگری تعیین شده باشد. در معاملات بانکی

معمول است متن قراردادهای مضاربه را به ترتیبی تنظیم نمایند که عامل با امضای

قرارداد شرط ترک فسخ قرار داد را تا زمان تسویه کامل آن از جانب خود بپذیرد.

۲- مضاربه از جمله از جمله تسهیلات کوتاه مدت حداکثر یکساله^۲ است که بانک بر

اساس آن میتواند منحصراً جهت گسترش امور بازرگانی به عنوان مالک سرمایه نقدی

لازم برای انجام یک معامله تجاری را در اختیار متقاضی به عنوان عامل اعم از اینکه

شخص حقیقی یا حقوقی باشد، قرار می دهد تا سود حاصله را نسبت از پیش توافق

شده با یکدیگر تقسیم نمایند.

۳- در مضاربه، نقش مالک و عامل کاملاً از یکدیگر جداست و در این رابطه تأکید و

تصریح بر این است که مالک فقط سرمایه را تأمین نموده و به هیچ عنوان وظایف

عامل را بر عهده نگیرد. به عبارت دیگر امکان عاملیت برای بانکها در قرار دادهای

مضاربه وجود ندارد. در مقابل عامل نیز تنها وظیفه عاملیت را بر عهده دارد و حتی

اگر در جریان عقد مضاربه، خود هزینه هایی را تقبل نماید موجبی برای تأمین نقش

مالک نخواهد بود.

۴- سرمایه و به اصطلاح فقهی «رأس المال» مضاربه حتماً باید نقدی و عین باشد و

یکجا تأمین شود. بدین ترتیب مضاربه به منفعت یا دین صحیح نمی باشد.

^۲- در موارد استثنائی، سنت مذکور با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قابل افزایش می باشد.

۵- به جز هزینه های تعیین شده طبق قرارداد، تأمین هر گونه وجهی از سرمایه مضاربه بابت سایر هزینه ها امکان پذیر نبوده و اینگونه هزینه ها با مصالحه طرفین به عهده عامل می باشد.

۶- مسئولیت عامل در حفظ سرمایه مضاربه، همان مسئولیتی است که قانوناً بر عهده امین است جز در صورت تفریط و تعدی.

بدین ترتیب عامل ضامن سرمایه و یا مسئول خسارات حاصله از تجارت نخواهد بود. مگر اینکه بطور لزوم در قرارداد شرط شده باشد که عامل از مال خود به مقدار خسارت یا زیان به طور رایگان به مالک تملیک کند.

ضوابط اجرائی:

معاملات مضاربه فقط در مواردی که خرید و فروش کالا مستلزم هیچگونه تغییرات ظاهری و ماهوی نباشد قابل انجام می باشد.

مضاربه برای خرید و فروش کالا در داخل کشور «مضاربه بازرگانی داخلی» و جهت ورود کالا از خارج به منظور فروش در کشور «مضاربه وارداتی» و جهت صدور کالا به خارج از کشور «مضاربه صادراتی» نامیده می شود.

اعطای تسهیلات مضاربه برای خرید و فروش کلی و یا جزئی کالا باید از راستای سیاست های بازرگانی دولت صورت گرفته و در این ارتباط مدنظر باشد که:

اولاً-انجام مضاربه وارداتی با بخش خصوصی مجاز نمی باشد.

ثانیاً- تعاونی های قانونی توزیع و مصرف در استفاده از تسهیلات مضاربه از اولویت

برخوردداند.

اجزا و عوامل یک معامله مضاربه و ضوابطی که در هر مورد می باید مورد توجه قرار

گیرند عبارتند از:

الف- کالا

نوع مشخصات مقدار، قیمت و شرایط خرید و ترتیب تحویل کالای مورد مضاربه می

باید معین و معلوم باشد و محرز گرد که کالا از بازار فروش خوبی برخوردار است، به

ترتیبی که حداکثر ظرف مدت مضاربه به حیظه فروش درآید. در این قبیل معاملات باید

دقت شود که موجبات احتکار کالا فراهم نشود.

اعطای تسهیلات مضاربه برای خرید و فروش کالاهای اساسی و ضروری در اولویت

قرار دارد.

بیمه کالای مورد مضاربه الزامی نبوده لکن بانک می تواند عند الزوم بیمه را یکی از

شرایط اعطای تسهیلات قرار دهد.

ب- سرمایه

منظور از سرمایه مضاربه و به عبارتی «رأس المال» وجوهی است که بابت هزینه های

معامله تخصیص داده شده است. هزینه های لازم برای داد و ستد کالای موضوع مضاربه

باید قبل از عقد قرار داد برآورد و معین شوند. هزینه های قابل قبول در یک قرارداد مضاربه می تواند شامل یک و یا تعدادی از اقلام ذیل باشد:

۱- قیمت خرید کالا.

۲- هزینه های بسته بندی.

۳- هزینه های حمل و نقل.

۴- هزینه های بیمه و حق ثبت سفارش.

۵- هزینه های انبار داری.

۶- هزینه های بانکی.

۷- حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی.

هزینه حق توقف و انتظار نوبت کشتی (دموراژ) نیز در مضاربه وارداتی قابل تأمین از محل سرمایه مضاربه می باشد.

پرداخت هر گونه وجهی از سرمایه مضاربه بابت هزینه های بارگیری، تخلیه، پاساوان،

اجاره کانتینر، جریمه انبارداری، هزینه های متفرقه ترخیص یا نگهداری کالا، جرائم

گمرکی، هزینه های اداری، دستمزد، حقوق و هر نوع هزینه احتمالی دیگر ممکن نبوده و

تأمین این دسته از هزینه ها و همچنین هزینه هائی که در سرمایه مضاربه منظور نشده

باشند با مصالحه طرفین به عهده عامل خواهد بود و بر همین اساس در قرار داد مضاربه

ضمن عقد صلح ، عامل تقبل می نماید که کلیه هزینه های غیر قابل تأمین از محل

سرمایه مضاربه و هزینه های احتمالی دیگر را از اموال خود تأدیه و در مقابل دریافت حق الصلح به بانک صلح نمایند.

بعد از تعیین و برآورد هزینه ها سرمایه، مضاربه می باید به طور یکجا تأمین و برای انجام معامله کنار گذاشته شود. بانک می تواند موافقت کند عامل از سرمایه مضاربه به طور مکرر استفاده نماید و در این صورت تعداد دفعات استفاده از سرمایه باید مشخص و در قرارداد ذکر شود.

سرمایه مضاربه با در نظر گرفتن شرایط معامله به طور یکجا و یا بسته به مورد نیاز به تدریج قابل برداشت می باشد.

ج- مدت

مدت هر قرار داد مضاربه باید برابر زمانی باشد که عامل از تاریخ عقد قرار داد تا تسویه حساب لازم دارد و در این رابطه باید وضعیت بازار کالای مورد معامله امکانات و توان عامل شرایط تحویل و حمل کالا مدنظر قرار گرفته و مدت قرارداد به ترتیبی تعیین گردد که ظرف آن معامله مورد نظر قابل انجام و قرارداد منعقد قابلیت تسویه داشته باشد.

مبنای شروع مدت مضاربه، تاریخ انعقاد قرارداد بوده و در مضاربه های وارداتی بر اساس اعتبارات و با بروات دیداری و یا مدت دار می باید حداکثر تا تاریخ گشایش

اعتبار قرار داد مضاربه منعقد گردد و توجه شود که تاریخ برداشت وجه اسناد از حساب بانک توسط کارگزار نمی تواند مبنای مدت مضاربه قرار گیرد.

مدت * نرخ * میزان تسهیلات

= حداقل سود مورد

(روز) ۳۶۰ * ۱۰۰

انتظار بانکی

(ماه) ۱۲

د- بازدهی

اعطای تسهیلات مضاربه در صورتی مجاز است که پیش بینی نتیجه معامله سودآور باشد و از این رو در هنگام عقد قرارداد باید میزان یا نرخ سود مجاز یا قیمت فروش تعیین شده توسط مراجع ذیربط معین شود و کسر مجموع هزینه های مورد قبول مضاربه از مبلغ کل فروش مبین بازدهی کافی باشد.

در عقد مضاربه سهم سود هر یک از طرفین می باید به نحو شارع و به صورت نسبت یا درصدی از کل سود معامله تعیین و توافق گردد. بنابراین به هیچ وجه نمی توان مبلغ معینی از سود یا درصد معینی از سرمایه مضاربه را به عنوان سهم سود طرفین قرار داد.

از آنجا که نرخ سود تسهیلات مضاربه در تعرفه عمومی معاملات به صورت «حداقل» منعکس گردیده است. بنابراین تقسیم منافع بین بانک و مشتری به ترتیبی توافق می شود که حداقل سود مورد انتظار برای بانک حاصل می شود. بانک می تواند با در نظر گرفتن عواملی بعضاً به این حداقل اکتفا نموده و در مواردی درصد سهم سود خود را افزایش دهد.

برخی از این عوامل مؤثر عبارتند از: ارزش کار و تخصیص مشتری، درجه خطرات احتمالی مستتر در معامله نوع کالا و اثرات اقتصادی شخصیت عامل منافع سپرده گذاران، اهمیت جلب و جذب مشتری.

به هر حال با توجه به جمع موارد مذکوره نسبت سهم سود بانک در مضاربه می باید به ترتیبی تعیین گردد که پیش بینی نرخ بازده معامله کسر از نرخ مندرج در تعرفه عمومی معاملات نباشد.

در مواردی که به هنگام تسویه حساب سهم سود بانک کمتر از میزان سود مورد انتظار

حاصل می شود، عامل باید با ارائه ادله مثبت بانک را متقاعد سازد که نقصان سود تحت تأثیر و دخالت عوامل خارج از کنترل وی بوده است. در صورتی که به نحوی از انحاء به بانک ثابت گردد که عامل در زمان انعقاد قرار داد مضاربه تمامی بررسی های لازم را پیرامون وقوع معامله به انجام رسانده و نیز اطلاعاتی که عامل از زمان عقد قرارداد تا

زمان تسویه با نهایت کوشش در جهت انجام موضوع مضاربه اقدام نموده است در این صورت عامل از پرداخت هر نوع وجهی مازاد بر خسارت وارد بر اصل سرمایه مبرا است.

هـ - اجرای عملیات مضاربه

انجام کار لازم برای اجرای عملیات مضاربه تماماً به عهده شخص عامل بوده وی ملزم می باشد اقدامات خود را به نحوی تنظیم و اعمال نماید که خرید و فروش کالای

موضوع مضاربه در طول مدت قرارداد عملی انجام شده و قرارداد حداکثر در سررسید قابل تسویه باشد. عامل از سرمایه مضاربه می تواند منحصرأً برای خرید کالای موضوع

معامله و پرداخت هزینه های توافق شده استفاده نماید و طبعاً در این راستا باید دارای مجوزات لازمه بوده و ضوابط و مقررات موضوعه را به طور کامل مراعات کند و کلیه

امور بانکی مورد نیاز برای اجرای مفاد قرارداد مضاربه را در شعبه ای که تسهیلات مضاربه را اعطاء نموده متمرکز نماید.

در معاملات مضاربه، بانک بر مصرف سرمایه و برگشت آن و همچنین عملیات اجرایی نظارت خواهد داشت و در این رابطه عامل موظف است کلیه اسناد و مدارک

مربوط به خرید و فروش و موجودی کالای موضوع مضاربه را به نحو قابل قبولی نگهداری نموده و در صورت مطالبه بانک ارائه نماید.

در معاملات مضاربه، بانک مصرف سرمایه و برگشت آن و همچنین عملیات اجرائی نظارت خواهد داشت و در این رابط عامل موظف است کلیه اسناد و مدارک مربوط به خرید و فروش و موجودی کالای موضوع مضاربه را به نحو قابل قبولی نگهداری نموده و در صورت مطالبه بانک ارائه نماید.

عامل باید کالای موضوع مضاربه را تقدماً به فروش رسانده و کلیه وجوه حاصله را در اسرع وقت مستقیماً و بدون هر گونه دخل و تصرف در حساب مضاربه وجوه دریافتی بابت تسهیلات استفاده شده واریز نماید.

عوامل نمی تواند بدون موافقت بانک کالای موضوع قرارداد مضاربه را به طور نسبه به فروش برساند و چنانچه برای فروش کالا ناگزیر به تنظیم قرار داد را قبلاً به تأکید بانک برساند. در این موارد بنا به تقاضای کتبی عامل، بانک می تواند با رعایت نکات ذیل با فروش نسبه کالا و یا عقد قراردادهای خاص فروش موافقت نماید:

اولاً- زمان مجاز در فروش نسبه نباید از مدت قرار داد مضاربه تجاوز نماید.

ثانیاً- مطالبات عامل از بابت فروش نسبه تا زمانی که به حیطة وصول درناید نمی تواند وسیله واریز سرمایه و سهم سود بانک در سررسید قرارداد واقع شود.

ثالثاً- مفاد قرار داد فروش تنظیمی توسط عامل در چارچوب شرایط مضاربه بوده و متضمن منافع و مصالح بانک باشد.

چنانچه سرمایه مضاربه بعد از پرداخت بدون انجام معامله به بانک مسترد گردد و عامل اسناد و مدارک کتبی مسئول و معتبر دال بر عدم انجام معامله موضوع قرارداد به بانک تسلیم نماید و از طریق بررسی این مدارک و با توجه به سوابق مشتری برای بانک مسلم و محرز گردد که عدم انجام معامله بازرگانی تحت تأثیر دخالت عوامل خارج از کنترل مشتری صورت گرفته است علاوه بر این به نحوی از انحاء به بانک ثابت گردد که عامل در زمان انعقاد قرار داد مضاربه تمامی بررسی های لازم را پیرامون وقوع معامله به انجام رسانده است و همچنین مشخص گردد که عامل از زمان انعقاد قرارداد تا زمان استرداد سرمایه در حداقل مدت زمان ممکن برای وی به وقوع پیوسته است در این صورت اخذ هر نوع وجه اضافی تحت هر عنوان مازاد بر سرمایه مسترد شده جایز نمی باشد.

و- تغییرات در قرارداد

قراردادهای مضاربه از جمله قرار دادهای لازم الاجرا و تابع آئین نامه اجرائی اسناد رسمی می باشد. در مواردی تغییراتی در مفاد قرارداد ضرورت دارد.

تغییرات محتمل الوقوع پذیرش در قراردادهای مضاربه به شرح زیر می باشند:

۱- تغییرات در سرمایه به صورت کاهش با افزایش سرمایه.

۲- تغییرات در مدت قرارداد به صورت کاهش یا افزایش و بدون هیچ گونه تغییر در

نسبت تقسیم سود .

در این موارد می باید نسبت به تهیه و تنظیم قرارداد الحاقی و امضای آن اقدام گردد.

ز- فسخ قرارداد

بانک میتواند در صورت عدول عامل از اجزای مفاد قرارداد و یا عدم انجام هر یک از

تعهدات مقرر از ناحیه عامل و همچنین در مواردی که استرداد سرمایه بانک بدون انجام

هر گونه خرید و فروش کالا به دلیل تخلف عامل باشد، حتی قبل از انقضای مدت

قرارداد مضاربه را فسخ نماید.

در صورتی که قرارداد مضاربه قبل از انقضای مدت به هر دلیل توسط بانک فسخ

گردد و سود قابل محاسبه نباشد ولی به تشخیص بانک مقصداری از کار توسط عامل

صورت گرفته باشد بانک می تواند اجرت المثل متعلقه را به حساب عامل منظور نماید.

پرداخت یا عدم پرداخت اجرت المثل با توجه به جهات مختلف از جمله به جهت دو

عامل ذیل صورت می پذیرد.

اولاً- ادامه و به انجام رسانیدن مضاربه و سودآور بودن آن برای بانک محرز باشد.

ثانیاً- عامل از انعقاد قرارداد تا زمان فسخ با امانت و صحت در جهت تحقق موضوع

مضاربه قسمتی از کار لازم را انجام داده باشد.

هزمان با فسخ قرارداد مضاربه می باید خسارت وارده بر اصل سرمایه (در صورت ورود خسارت) و وجه التزام مذکور از محل موجودیهای عامل نزد بانک برداشت شود.

ح - تسویه حساب

حداکثر در سررسید هر قرارداد منعقدہ عملیات تسویه حساب و تقسیم سود باید به

ترتیب ذیل انجام گیرد:

اولویت تسویه حسابها از محل وجوه حاصل از فروش ابتدا با سرمایه مضاربه و سپس

سود طرفین می باشد.

چنانچه کلیه کالاهای موضوع مضاربه، حتی در مقاطع زمانی قبل از سررسید قرارداد به

حیطه فروش درآمده و وجوه مربوطه واریز شده باشد، امکان محاسبه سود مضاربه

فراهم بوده و در چنین حالتی می باید حساب مضاربه قبل از سررسید تسویه شود.

برای انجام تسویه حساب، ابتدا سرمایه مضاربه از محل وجوه دریافتی برداشت می

شود و سپس باقیمانده وجوه ناشی از فروش کالا بهر میزان و مبلغی که باشد به نسبت

های توافق شده قبلی مندرج در قرارداد بین بانک و عامل تقسیم می شود و سهم سود

عامل به حساب جاری وی واریز می گردد.

انجام هر نوع تغییرات در نسبت های تقسیم سود طرفین در زمان تسویه حساب و

تقسیم سود مغایر با نفس عقد مضاربه می باشد.

در قراردادهای مضاربه عامل متعهد می باشد چنانچه به هر دلیل خسارتی بر اصل سرمایه موضوع قرارداد وارد آید، خسارت وارده را به میزانی که بانک تعیین می نماید بدون هرگونه ایراد و اعتراض از اموال خود مجاناً به بانک پرداخت نماید. از این رو در صورتیکه پس از اختتام موضوع قرارداد و همزمان با انجام عملیات تقسیم سود چنانچه حاصل فروش تمامی کالای موضوع مضاربه (وجوه دریافتی) کمتر از سرمایه مضاربه (تسهیلات اعطائی) باشد، این موضوع بیانگر بروز زیان و ورود خسارت به اصل سرمایه مضاربه می باشد. در چنین حالتی باید بلافاصله خسارت وارده را از هر یک از حسابهای موجودی باشد اقدامات لازم برای وصول خسارت مورد بحث به استناد قرارداد مضاربه و یا وثائق موجود به عمل آید.

ت- تمدید قرارداد

در مواردی که تمامی کالای مورد معامله در طول مدت قرارداد به فروش نرفته باشد می باید به ترتیب ذیل اقدام شود:

- ۱- چنانچه قسمت بیشتر کالا فروخته شده باشد و برای عامل نیز مقدور باشد که مابقی کالا را از اموال خود به قیمت فروش خریداری نماید، بانک می تواند اقدام به فروش تتمه کالا به عامل نموده و قرارداد را مختومه و حساب را تسویه نماید. در مواردی که خرید کالای احتخالی باقیمانده در پایان مدت قرارداد به قیمت فروش

توسط عامل شرط اولیه اعطای تسهیلات تعیین شده باشد عامل ملزم به ایفای تعهد خود می باشد.

۲- در صورتیکه، امکان اختتام قرارداد و تسویه حساب از طریق فروش کالای باقیمانده

به قیمت فروش به عامل باقیمانده به قیمت فروش به عامل وجود نداشته باشد بانک

می تواند با بررسی های همه جانبه و حسب مورد یکی از طرق ذیل را مورد

تصویب قرار دهد

الف- فروش مابقی کالا به قیمتی کمتر از قیمت فروش روز به روز به عامل و یا هر

شخص ثالث دیگر به طور نقدی مشروط بر اینکه:

اولاً- قیمت فروش از قیمت تمام شده کمتر نباشد.

ثانیاً- حداقل سود مورد انتظار بانک با احتساب قیمت جدید برای تتمه کالا حاصل

گردد.

ب- عقد قرار داد الحاقی برای افزایش مدت قرارداد مشروط بر اینکه:

اولاً- با افزودن مدت جمع مدت قرارداد از یکسال تجاوز ننماید.

ثانیاً- بدون تغییر نسبت تقسیم سود، حداقل سود مورد انتظار بانک علیرغم افزودن به مدت قرارداد حاصل گردد.

ج- تسویه قرارداد به نسبت کالای فروش رفته و عقد قرارداد جدید برای تتمه کالا، در این حالت سهم سود عامل فقط بعد از اختتام قرارداد جدید و تسویه کامل حسابها قابل پرداخت خواهد بود.

د-فسخ قرارداد منعقد و انتقال مطالبات بانک به حساب مطالبات سررسید گذشته معاملات و تعیین ترتیبی معین برای استیفای حقوق بانک.

ی- حسابداری مضاربه

مراحل و عملیات حسابداری مضاربه به قرار زیر است:

الف- ثبت قرارداد:

قرارداد مضاربه در حسابهای انتظامی به مبلغ یک ریال به ترتیب ذیل ثبت می شود:

بدهکار: حسابهای انتظامی - قراردادهای مضاربه.

بستانکار- طرف حسابهای انتظامی قراردادهای معاملات.

ثبت این سند فقط برای نشان دادن تعداد قراردادهای منعقد تسویه نشده مضاربه می باشد.

ب- ثبت وثائق:

در صورت اخذ وثیقه اسناد ذیل به مبلغ سند وثیقه صادر می شود:

بدهکار: حسابهای انتظامی - وثائق قراردادهای مضاربه.

بستانکار: طرف حسابهای انتظامی - وثائق معاملات.

ج- ثبت حق صلح هزینه های احتمالی:

چنانچه عامل با صلح هزینه هایی که انجام می دهد موافقت نموده باشد، اسناد ذیل به

مبلغ ۱,۰۰۰ ریال (به مبلغ حق الصلح) صادر می شوند:

بدهکار: حساب کارمزد پرداختی - حق صلح قراردادهای مضاربه.

بستانکار: حساب جاری عامل.

د- ثبت تعهدات بانک:

تعهدات بانک به میزان سرمایه مضاربه مندرج در قرارداد به ترتیب ذیل ثبت می گردد:

بدهکار: طرف حساب تعهدات بانک بابت مضاربه.

ه- پرداخت سرمایه:

هر پرداخت از سرمایه مضاربه به شرح ذیل در دفاتر منعکس می شود:

بدهکار: حساب مضاربه - تسهیلات اعطائی.

بستانکار: حساب جاری عامل یا حساب صندوق یا حساب گیرنده وجه.

بدهکار: حساب تعهدات بانک بابت مضاربه.

و- فروش کالا:

عامل بابت هر گونه وجوه حاصل از فروش را به بانک پرداخت نماید که به ترتیب

ذیل در حساب ها ثبت می شود:

بدهکار: حساب جاری عامل / صندوق (به مبلغ دریافتی).

بستانکار: حساب مضاربه - وجوه دریافتی.

افتتاح حساب وجوه دریافتی اختیاری بوده و ثبت های لازم می تواند مستقیماً در

حساب مضاربه - تسهیلات اعطائی انجام شود.

ز- تسویه مضاربه:

در صورتی که تمام کالا مورد مضاربه به فروش رسیده و وجه آنها وصول شده شورای

عالی پول و اعتبار یک نرخ حداقل و حداکثر برای سود قرار می دهد. تعیین نرخ قطعی

نمی کند.

در مورد عقد مضاربه، پول از سرفصل حساب مضاربه به حساب مشتری ریخته می شود

ولی در هنگام تسویه پول و سرمایه دریافتی از مشتری را به حساب وجوه دریافتی

مضاربه می ریزد.

سؤال

۱- هزینه های قابل قبول در مضاربه کدامند؟

۲- از عقود مضاربه برای چه بخشی از فعالیتهای اقتصادی می توان استفاده کرد؟

۳- تعریف مضاربه طبق دستورالعمل اجرای چیست؟
۴- حداکثر مدت قرارداد مضاربه چقدر است؟ و در صورتی که در یک قرارداد مضاربه

احتیاج به زمان بیشتری باشد چگونه عمل می شود؟

۵- کدام یک از طرفین مضاربه ملزم به اجرای کار و عملیات مضاربه هستند؟

۶- آیا بانک می تواند سرمایه مضاربه را تأمین نمایند؟ به چه صورت؟

۷- قبل از انعقاد قرارداد مضاربه بانکها در مورد پیشنهاد مضاربه چه عملی باید انجام

دهند/

۸- عنوان بانک در قرارداد مضاربه چیست؟

۹- آیا می توان کالا یا طلب از اشخاص را به عنوان سرمایه مضاربه به کار گرفت؟

۱۰- سایر هزینه های مترتب بر مضاربه به چه نحو تأمین می شود؟

مسئله اول:

قرارداد مضاربه ای بین بانک و عامل به منظور خرید ۱۰۰ تن پنبه به قرار کیلویی

۷۰۰۰ ریال که پیش بینی شده به قیمت کیلویی ۸۵۰۰ ریال به فروش برسد، منعقد

گردیده است.

مطلوبست: ثبت عملیات حسابداری با توجه به مفروضات زیر

الف) مدت قرارداد ۶ ماه از تاریخ ۷۳/۵/۲۵

ب) سهم سود بانک از قرارداد ۰.۵٪ و عامل ۰.۴۵٪

ج) وثیقه تسهیلات اعطای یک فقره سند ملکی ارزنده و بلامعارض می باشد.

د) عامل محامل فروش کالای مورد مضاربه را در مراحل مختلف و به شرح صفحه بعد

به بانک پرداخت نموده است.

فصل چهارم - مشارکت

مقدمه:

مشارکت مدنی در واقع یک تأسیس حقوقی است که برای نخستین بار در نظام

بانکداری اسلامی در ایران به کار رفته است. برای تبیین نقش مشارکت مدنی لازم است

مفهوم شرکت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در اصطلاح قانون مدنی شرکت به مفهوم عام کلمه «شرکت غیر عقدی» و به مفهوم

اخص کلمه «شرکت عقدی» نامیده می شود. شرکت به مفهوم وسیع کلمه در قانون

مدنی چنین تعریف شده است:

«اجتماع حقوق مالکین متعدد در شئی واحد به نحو اشاعه».

ارکان تشکیل دهنده این تعریف عبارتند از:

۱- اجتماع حقوق مالکین متعدد

منظور از این امر آن است که شرکت به طور کلی به اعتبار حقوق مالکیت شرکاء

تشکیل می شود و نه خود شرکاء. به عبارت دیگر، شرکت به مفهوم وسیع کلمه مبتنی بر

رابطه حقوقی شرکاء با یکدیگر است و نه رابط شخصی آنان. نکته دیگر تعداد مالکین است که معمولاً از دو به بالا را در بر می گیرد.

۲- شئی واحد

موضوع مورد مشارکت می تواند: عین (خانه و ملک مشترک) و یا دین (طلب مشترک، طلبی که به دو تن منتقل می شود) و یا منفعت (مانند منفعت مورد اجاره که بر اثر فوت مستأجر به ورثه منتقل می شود) و یا حق (مانند حق خیار و حق شفعه که در نتیجه فوت مورث به وراث منتقل می شود) باشد. به این ترتیب مشارکت باید دارای موضوع معینی بوده و هر یک از شرکاء نسبت به آن مالکیت داشته باشند. به این ترتیب مشارکت باید دارای موضوع معینی بوده و هر یک از شرکاء نسبت به آن مالکیت داشته باشند.

۳- اشاعه

منظور از اشاعه آن است که مالکیت هر یک از شرکاء محدود به جزء خواص و معینی از شئی مورد مشارکت نبوده بلکه به کل آن تسری دارد.

مالکیت مشاع و به عبارت دیگر شراکت از لحاظ قانون مدنی یا به صورت اختیاری است و یا قهری. شراکت اختیاری می تواند در نتیجه عقدی از عقود باشد، مانند اینکه چند نفر ملکی را با هم خریداری نمایند (عقد بیع) یا اجاره نمایند (عقد اجاره)، یا به

آنها هبه شود (عقد هبه) یا قبول رهن نمایند (عقد رهن) و یا به آنان مصالحه شود (عقد صلح). همچنین در نتیجه عمل شرکاء نیز شرکت اختیاری قابل ایجاد است؛ از جمله این

موارد مزج اختیاری مانند انبار کردن گندم در یک انبار مشترک و یا قبول مالی مشاع در

ازاء عمل چند تن مانند یک توپ پارچه به ازاء دستمزد و حیازت مباحات در مورد یک

اصله درخت را می توان نام برد.

شرکت به مفهوم اخص کلمه، چنانچه ملاحظه شد «شرکت عقدی» نامیده می شود.

این نوع شرکت را با استنباط از مواد راجع به شرکت در قانون مدنی می توان چنین

معرفی نمود:

«مشارکت بین دو یا چند تن بر معامله نمودن اموال اشتراک چه نقدی باشد یا

جنسی».

با توجه به مطالب بیان شده فوق، «شرکت مدنی» مترادف است با «شرکت عقدیه یا

الکتسابیه» در فقه اسلامی^۳.

۳- انواع دیگر شرکت در فقه اسلامی عبارتند از: شرکت ابدان با اعمال شرکت وجوه، شرکت مفاوضه. شرکت ایدان یا اعمال بدین صورت است که دو یا چند تن با یکدیگر قرار بگذارند که هر کدام هر چه به وسیله عمل خود به دست آورند همگی در آن شریک باشند. این نوع شرکت از نظر فقه امامیه باطل است.

شرکت وجوه این است که دو یا چند تن قرار بگذارند که هر يك اموالي را که اعتبار خود در ذمه (نسیه) خریداری کنند و بفروشند، در سود حاصله شریک باشند. این نوع شرکت نیز از نظر فقه امامیه باطل است مگر اینکه هر يك دیگری را وکیل نماید که در آن مالی که می خرد برای هر دو بخرد. در این صورت آنچه نسیه خریده و متعلق به هر دو می باشد، در سود و زیان به همان نسبت که خریداری شده است شریک خواهند بود.

طبق آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا:

«مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و غیر نقدی متعلق به

اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشارع به منظور انتفاع، طبق قرارداد».

چنانچه ملاحظه می شود، تعریف مذکور با جزئی اختلاف منطبق است بر تعریف

شرکت مدنی مستنبط از مواد راجع به شرکت در قانون مدنی.

ویژگی ها:

ویژگی های مشارکت مدنی را به ترتیب ذیل می توان برشمرد:

۱- طبق ماده ۵۸۶ قانون مدنی «اگر برای شرکت، ضمن عقد لازمی مدت معین نشده

باشد هر یک از شرکاء هر وقت بخواهند می توانند رجوع کنند.» بنابراین، شرکت

مدنی و به عبارت دیگر مشارکت مدنی ماهیتاً جایز است مگر آنکه ضمن عقد

لازمی اختیار فسخ از طرفین سلب شود.

۲- مشارکت مدنی، برخلاف مضاربه که سرمایه نقدی مورد نیاز را منحصراً طرف

مالکیت تأمین می نماید، مشارکت در تأمین سرمایه است اعم از نقدی و غیر نقدی.

شرکت مفاضه بدین شکل است که دو یا چند تن قرار بگذارند که آنچه از طریق تجارت زراعت یا کسب، هر گونه غرامات و التزامات و نیز و آنچه از طریق ارث بدست می آورند و همچنین هر گونه زیانی که متوجه هر یک از آنان گردد، همگی در شریک و سهم با شدند. این دو نوع شرکت نیز از نظر امامیه باطل است.

۳- در آمیختن سهم شرکت نقدی طرفین به نحو مشاع از مختصات مشارکت مدنی است.

۴- مشارکت مدنی، برخلاف قرض الحسنه به قصد انتفاع انجام می پذیرد.

۵- مشارکت مدنی در صورتی تحقق خواهد یافت که شرکاء طبق قرارداد سهم شرکت

نقدی خود را به حساب مخصوصی که در بانک برای شرکت افتتاح می گردد واریز

نمایند و چنانچه تمام یا قسمتی از سهم شرکت غیر نقدی باشد باید از توافق شرکاء

تقویم و ارزش ریالی آن در شرکت منظور گردد.

۶- مشارکت مدنی در تأمین منابع مالی مورد نیاز در امر تولیدی، بازرگانی و خدماتی

مورد استفاده قرار می گیرد.

۷- مشارکت مدنی در تأمین منابع مالی باید مشخص شود. در این خصوص می توان

یکی از ترتیبات ذیل را مقرر داشت:

الف- شریک، کالای احتمالی باقیمانده در پایان مدت قرارداد را به قیمت فروش روز از

اموال خود خریداری و قرار داد را تسویه نماید.

ب- شریک، کالای احتمالی باقیمانده در پایان مدت قرارداد را به قیمتی که بنابر توافق

تعیین خواهد شد خریداری نماید.

۸- موضوع مشارکت می باید ظرف یکسال خاتمه پذیرد و قرارداد مشارکت مدنی ظرف

همین مدت قابل تسویه باشد. در مواردی که مشارکت مدنی برای امور تولیدی

صنعتی، معدنی، کشاورزی، احداث مسکن و ساختمان و همچنین برای امور

طرحهای جدید خدماتی صورت می پذیرد حداکثر مدت ۳ سال می باشد.^۴

۹- فروش اقساطی سهم شرکت بانک در مشارکت های مدنی تولیدی صنعتی، معدنی،

کشاورزی، احداث مسکن و ساختمان و همچنین طرحهای جدید خدماتی در زمان

خاتمه قرارداد ممکن می باشد:

مشارکت مدنی در امور بازرگانی، دارای شرایطی کاملاً مشابه مضاربه می باشد، با

این تفاوت که:

الف- در مضاربه، صددرصد سرمایه و در مشارکت مدنی درصدی از سرمایه مورد نیاز

برای اجرای عملیات موضوع مشارکت از طرف بانک تأمین می گردد.

ب- در مشارکت مدنی هزینه های قابل قبول منحصر به هزینه های اصلی نبوده و هر

نوع هزینه دیگر با توافق طرفین می تواند در قرار داد قید شود.

ج- پرداخت سهم شرکت در مشارکت مدنی برخلاف مضاربه که دفعه واحده یکجا و

نقداً انجام می پذیرد به دفعات می تواند تأمین گردد.

و جوه تمایز شرکت مدنی و شرکت تجاری

^۴- در موارد استثنایی بانک مرکزی می تواند مدت مذکور را افزایش دهد

وجوه تمایز شرکت مدنی و شرکت تجاری عمدتاً مشتمل بر موارد ذیل است:

۱- شرکت مدنی در چارچوب ضوابط و مقررات قانون مدنی و شرکت تجاری در قالب

ضوابط و مقررات تجارت تأسیس و فعالیت می نماید.

۲- شرکت تجاری، شرکتی است که منحصراً به امور مذاکره در قانون تجارت که ماهیتاً

جنبه تجاری دارد می پردازد. شرکت مدنی شرکتی است که فعالیت آن علاوه بر

معاملات منقول معاملات غیر منقول را که شرکت های تجاری از آن منع شده اند در

بر می گیرد.

۳- شرکت تجاری دارای شخصیتی است مستقل از شخصیت شرکاء و دیون آن مستقیماً

بر عهده شرکاء قرار دارد.

۴- در شرکت مدنی اگر شرکاء از عهده پرداخت بدهی خود برنایند مقررات راجع به

افلاس و اعمار اجرا می گردد ولی در شرکت تجاری مقررات ورشکستگی.

حسابداری مشارکت مدنی

مراحل و عملیات حسابداری مشارکت مدنی عبارت است از:

ثبت قرار داد

قرارداد مشارکت مدنی به مبلغ یک ریال در حسابها به ترتیب ذیل ثبت می گردد:

بدهکار: حساب انتظامی قراردادهای مشارکت مدنی.

بستانکار: طرف حساب انتظامی قراردادهای عقود اسلامی.

ثبت وثیقه

در صورت اخذ وثیقه بابت مشارکت مدنی اسناد ذیل به مبلغ سند وثیقه صادر می

شوند:

بدهکار: حساب انتظامی و تائق مشارکت مدنی.

بستانکار: حساب مشترک مدنی.

پرداخت سرمایه

هنگام استفاده از سرمایه مشارکت مدنی، بر اساس قرارداد، به منظور خرید و یا

پرداخت هزینه های شرکت، ثبت حسابهای مربوط به میزان مبلغ استفاده شده به شرح

ذیل خواهد گرفت:

بدهکار: حساب مشترک مشارکت مدنی.

بستانکار: حساب گیرنده وجه یا بستانکاران موقت یا حساب صندوق.

دریافت وجه از شرکت

هنگام واریز وجه اعم از ماحصل فروش و یا از هر محل دیگری توسط شرکت مدنی

به بانک ثبت حسابهای مربوط به شرح ذیل در دفاتر صورت خواهد گرفت:

بدهکار: حساب جاری شریک و یا حساب صندوق

بستانکار: حساب مشترک مشارکت مدنی.

تسویه مشارکت مدنی

پس از خاتمه موضوع شرکت و یا انقضای مدت آن و تعیین تکلیف دارائیهها و

موجودیهای شرکت و همچنین ثبت آنها در حسابهای ذیربط شرکت مدنی خاتمه یافته و

حسابهای مربوط به شرک ذیل تسویه خواهد شد:

الف- در صورتیکه مشارکت مدنی منتج به سود شود

۱- برگشت سرمایه

بدهکار: حساب مشترک مشارکت مدنی (معادل سرمایه).

بستانکار: حساب مشارکت مدنی (معادل سهم سرمایه).

بستانکار: حساب جاری شریک و یا حساب صندوق (معادل سهم سرمایه شریک).

۲- تقسیم سود

بدهکار: حساب مشترک مشارکت مدنی (معادل کل سود).

بستانکار: حساب درآمد مشارکت مدنی (معادل سهم سود بانک).

بستانکار: حساب جاری شریک و یا حساب صندوق (معادل سهم سود شریک).

یا ثبت دو سند مرکب فوق، حساب مشترک مشارکت مدنی و حساب مشارکت مدنی در

دفاتر بانک تسویه و مشارکت مدنی خاتمه می یابد.

ب- در صورتیکه مشارکت مدنی منتج به زبان گردد

به موجب قرارداد برگشت اصل سرمایه بانک توسط شریک تضمین شده است.

لذا:

(۱) در صورتیکه مانده بستانکار حساب مشترک مدنی بیش از سرمایه سهم بانک

باشد اسناد حسابداری ذیل صادر و در دفاتر ثبت خواهد شد:

بدهکار: حساب مشارکت مشارکت مدنی (معادل مانده بستانکار این حساب).

بستانکار: حساب مشارکت مدنی (معادل سهم سرمایه بانک).

بستانکار: حسابهای شریک و یا حساب صندوق (معادل مانده حساب مشترک پ از

کسر سهم سرمایه بانک).

با ثبت اسناد فوق، حسابهای مشترک مشارکت مدنی و حساب مشارکت مدنی در دفاتر بانک تسویه و مشارکت مدنی خاتمه می پذیرد.

(۲) در صورتیکه حساب مشترک مشارکت مدنی مانده بستانکار نداشته و یا مانده

بستانکار آن کمتر از سهم سرمایه بانک باشد اسناد حسابداری ذیل صادر و

در دفاتر منعکس خواهد گرفت.

بدهکار: حساب مشترک مشارکت مدنی.

بستانکار: حساب مشارکت مدنی (معادل سهم سرمایه بانک).

با ثبت این سند، سهم سرمایه بانک که تضمین شده است تأمین و از حساب جاری

شریک به شرح ذیل برداشت می شود.

بدهکار: حساب جاری شریک.

بستانکار: حساب مشترک مشارکت مدنی (معادل مانده حساب).

پس از ثبت اسناد مذکور حسابهای ذیربط تسویه و مشارکت مدنی خاتمه می پذیرد.

برگشت اسناد انتظامی

پس از پایان عملیات مشارکت مدنی اسناد انتظامی ردیفهای ۱ و ۲ برگشت می

شود.

به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱- مشارکت مدنی را طبق دستورالعمل شورای پول و اعتبار تعریف نمائید.

۲- مشارکت مدنی در چه صورتی تحقق خواهد یافت.

۳- قبل از انعقاد قرارداد مشارکت مدنی بانکها چه اقداماتی را باید انجام دهند؟

۴- مدت مشارکت مدنی در بخش بازرگانی و خدمات طرحهای تولیدی چقدر

است؟

۵- اداره امور شرکتهای مدنی منعقد شده بین بانک و اشخاص به عهده کدام یک خواهد

بود؟

۶- حداکثر میزان سرمایه بانک در شرکتهای مدنی با اشخاص چقدر است؟

۷- مدیران شرکتهای مدنی تا چه میزان مجاز به انجام معاملات و قبول تعهدات

مالی می باشند؟

۸- زمینه ایجاد تسهیلات در عقد مشارکت مدنی را بیان کنید.

۹- در مورد از موارد افتراق با تمایز شرکت مدنی و شرکت تجاری را بیان فرمائید.

فصل هفتم - فروش اقساطی

خرید و فروش که اصطلاحاً «ربیع» نامیده می شود یکی از صور مشروع معاملات

بوده و عبارت از این است که شخص (فروشنده) در مقابل مالی (ثمن) که از دیگری

(خریدار) می گیرد مال خود (مبیع) را به دیگری تملیک کند و او نیز به تملک خود

درآورد. از لحاظ فقه اسلامی، تبیع به اعتبار موعد تسلیم مبیع و تأدیه ثمن بر چهار

قسم است:

۱- بیع نقد، بیعی است که موعودی برای تسلیم مبیع و تأدیه ثمن در عقد قرار داده

نشده است.

۲- بیع سلف یا سلم، بیعی است که مبیع آن در ذمه و برای تسلیم آن موعودی در

عقد مقرر شده است.

۳- بیع نسبه، بیعی است که ثمن آن در ذمه و برای تأدیه آن مدتی معین شده است.

۴- بیع کالی به کالی، بیعی است که مبیع و ثمن در ذمه می باشد و برای تسلیم مبیع

و تأدیه ثمن موعودی مقرر شده است.

بیع کالی به کالی به اجماع فقهای امامیه باطل بوده و الزام آور نمی باشد.

طبق ماده ۳۳۸ قانون مدنی:

«بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». به موجب ماده ۳۴۱ همان قانون:

قسمی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود».

علیهذا روشن می شود که از لحاظ قانون مدنی هر یک از اقسام بیع: نقد، نسیه و

همچنین سلف یا سلم بدون آنکه قبض ثمن و مبیع در مجلس عقد لازم باشد،

صحیح است زیرا متعاملین اجازه دارند برای تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن، اجلی قرار

دهند و قیدی در لزوم تأدیه و تسلیم مبیع در مجلس عقد تعیین نشده است.

بنابر مطالب بیان شده فروش اقساطی به ترتیب مصطلح در نظام بانکداری اسلامی

در ایران متخذ از «بیع نسیه» می باشد و تعریف مندرج در ماده ۴۷ آئین نامه فصل

سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا همین مفهوم را متضمن است:

«منظور از فروش اقساطی، عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به

ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسید

یا سررسیدهای معینی دریافت گردید».

ویژگی ها

۱- از نظر ماهیت حقوقی، طبق ماده ۳۴۴ قانون مدنی اگر در عقد بیع شرطی ذکر

نشده یا برای تسلیم مبیع و تأدیه ثمن موعدی معین نشده باشد، بیع قطعی و

ثمن حال محسوب است مگر اینکه حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت

تجارت در معاملات تجارتي وجود شرطي يا موعدي معهود باشد اگر چه در قرارداد بيع ذکر نشده باشد».

بنابراين جز در موارد مصرحه معينه در قانون عقد بيع قابل فسخ نخواهد بود و از اين رو قرارداد فروش اقساطي ماهيتاً قراردادي است لازم الاجراء و تابع احكام و مقررات مربوط به عقود لازمه.

۲- در معاملات فروش اقساطي، عامل مهم، تعهد متقاضي بر خريد و مصرف اموال مورد تقاضا مي باشد و بانكها مطلقاً از خريد اموال بدون وجود متقاضي و تعهد او به قصد فروش و يا نگهداري آنها منع شده اند. لذا، بلافاصله پس از خريد، بايد اموال خريداري شده در اختيار متقاضي قرار گيرد تا نقش اصلي بانك بعنوان «واسطه وجوه بودن» محفوظ بماند.

۳- فروش اقساطي، ابزاري کوتاه مدت^۵ جهت رفع نيازهاي سرمايه در گردش واحدهاي توليدي از لحاظ مواد اوليه لوازم يدكي و ابزار كار بوده و به صورت ابزاري ميان مدت و بلند مدت براي رفع نيازهاي سرمايه اي واحدهاي توليدي و خدماتي از لحاظ وسايل توليد، ماشين آلات و تاسيسات و ابزاري بلند مدت جهت رفع نياز متقاضيان در زمينه مسكن مي باشد.

^۵- مدت قراردادهاي فروش اقساطي در مورد مواد اوليه، لوازم يدكي و ابزار كار معادل يك دوره توليد و حداكثر يكسال مي باشد و فقط با اجازه بانك مركزي قابل افزايش مي باشد.

۴- فروش اقساطی در امور بازرگانی قابل استفاده نیست. مفهوم آن این است که

فروش اقساطی منحصرأً برای تأمین منابع مالی مورد نیاز در امر تولیدی و

خدماتی می باید مورد استفاده قرار گیرد و نه خرید و فروش و مصرف شخصی

و نظایر آن که جنبه بازرگانی دارد.

۵- در فروش اقساطی، کالا بلافاصله پس از انعقاد قرار داد به مالکیت مشتری در می

آید. به طوریکه اشاره گردید. فروش اقساطی شامل چهار دسته انواع معاملات به

شرح ذیل می باشد:

الف- فروش اقساطی مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار

همان طور که بیان شد به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش

واحدهای تولیدی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی بانک می تواند مواد اولیه لوازم

یدکی و ابزار کار مورد احتیاج این واحدها را منحصرأً بنا به درخواست و تعهد آنها

مبنی بر خرید و مصرف عوامل مذکور خریداری و به صورت نسیه (اقساطی) به

واحدهای مذکور بفروشد.

بنا به تعریف «مواد اولیه» عبارت است از هر نوع مواد خام، نیمه ساخته، ساخته

شده واسطه ای و مواد بسته بندی که در تولید یک محصول معین به کار می روند.

قطعات و وسایلی که برای جایگزینی قسمتی از ماشین آلات تولید به کار می رود، «لوازم یدکی» و ادوات و وسایلی نیز که عمر مفید آنها حدود یک سال و با دست غیر مجهز قابل حمل بوده و به عنوان وسایل کمکی در تولید بکار رفته می شوند، «ابزار کار» محسوب می گردند.

ضوابط خرید

خرید هر گونه مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار توسط بانک فقط به تقاضای کتبی یک واحد تولیدی ممکن می باشد. متقاضی می باید خود مصرف کننده اموال درخواستی باشد و در تقاضای خود نوع، مقدار، مشخصات، فروشنده، قیمت و شرایط پرداخت و تحویل اموال مورد درخواست را مشخص نموده و مسئولیت مستقیم هر گونه فساد را که ممکن است در جریان معامله بروز نماید و همچنین مسئولیت هر نقص و اشکالی در کیفیت یا کمیت کالا را به عهده گیرد. موجود و آماده تحویل بودن اموال مورد نظر موجود و قابل تحویل نباشد. بانک باید بدو مبادرت به خرید آن نموده و پس از آماده شدن اموال آن را به متقاضی واگذار نماید. در بررسی تقاضاهای مشتریان باید دقت شود که کالای مورد نظر متناسب با حجم یک دوره تولید و یا حداکثر معادل مصرف یکسال مشتری باشد. منظور از دوره تولید مدت زمان لازم برای طی مراحل مختلف تولید، فروش و برگشت وجه اقلام مورد معامله است.

خرید بانک از منابع معتبر- خرید از اشخاصی که دارای صلاحیت قانونی بوده و بابت فروش محصولات خود فاکتور صادر کنند و یا از افرادی که عرفاً در خصوص فروش کالای مورد معامله شناخته شده اند مجاز بوده و پرداخت ها به صورت صدور چک بانکی در وجه فروشنده خواهد بود مگر اینکه ترتیب دیگری در مصوبه تعیین شده باشد.

در خریداری داخلی، بانک معمولاً فقط بهای کالای خریداری را پرداخت می نماید و بقیه هزینه ها شامل بسته بندی، بارگیری، حمل، بیمه و تخلیه به عهده مشتری می باشد مگر اینکه مرجع تصویب کننده اعتبار پرداخت هزینه های دیگر را نیز قبول نموده باشد.

خریدهای خارجی بانک از طریق گشایش انواع اعتبارات اسنادی صورت می گیرد و اخذ کلیه مجوزات و تأییدیه های لازم برای ورود کالای مورد نظر به عهده خود متقاضی است. در خریدهای خارجی، بانک معمولاً فقط بهای اسناد وارداتی کالا (ارزش سیف) را پرداخت و بقیه هزینه ها به عهده متقاضی است مگر این که ترتیب دیگری در مصوبه مقرر شده باشد.

ضوابط فروش

در معاملات فروش اقساطی اعلام قیمت فروش نقدی و نسیه به خریدار الزامی

است و از این رو لازم است عقد قرارداد قطعی فروش اقساطی موکول به زمانی

گردد که قیمت های مزبور تعیین شده باشند.

قیمت فروش نقدی بانک برابر با مجموع وجوه پرداختی جهت اکتیای کالا مورد

نظر می باشد. قیمت فروش نسیه بانک با افزودن سود معامله به قیمت فروش نقدی

پس از کسر پیش پرداخت نقدی مشتری محاسبه گردد.

بابت خرید و فروش اقساطی مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار اخذ پیش پرداخت

نقدی از مشتری ضروری ندارد.

در معاملات فروش اقساطی، اخذ وثائق می باید حداقل به میزان جمع اقساط در

زمان عقد قرار داد صورت گیرد.

وصول قیمت فروش نسیه بانک دفعه واحده یا به اقساط مساوی و یا غیر مساوی

در سررسیدهای متوالی یا غیر متوالی مجاز می باشد و مدت بازپرداخت قسط یا

اقساط نباید از یک دوره تولید و حداکثر از یکسال تجاوز نماید^۶ و^۷ حداکثر مدت

معاملات فروش اقساطی مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار با موافقت بانک مرکزی

^۶- حیوانات زنده غیر مولد (نظیر گوسفند پرواری) نیز از

جمله نیازهای اولیه واحدهای تولید کشاورزی محسوب می شوند.

^۷- در مورد تأمین مواد اولیه مورد نیاز برای یافت فرش، مدت

وصول قیمت فروش اقساطی مربوط «یک دوره توسعه حداکثر دو

سال»

قابل افزایش می باشد. حداکثر مدت های مذکور شامل طرحهای تولیدی جدید نبوده و در این موارد بانک می تواند قیمت فروش نسبه خود را در مدتی بیش از دوره تولید و با یکسال وصول نماید.

در ضمن چنانچه در باز پرداخت هر یک از اقساط وقفه ای حاصل شود باید چگونگی امر بلافاصله از طریق بانک مورد بررسی و پیگیری های لازم قرار گرفته و حسب نیاز از محل کار مشتری و نحوه استفاده از مواد مورد معامله بازدید به عمل آمده و تدابیر مقتضی جهت حفظ مصالح بانک اتخاذ شود.

ضمناً، بیمه کالای موضوع این معاملات الزامی نبوده لکن بانک می تواند انجام این امر را یکی از شرایط اعطای تسهیلات قرار دهد.

قابل توجه است که در صورت زودپرداخت یک و یا تمام اقساط از سوی مشتریان امکان استرداد سود دوران زودپرداخت به وی وجود دارد.

ب- فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات

به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات، بانک می تواند اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال و یا اموال مورد درخواست خریداری نموده و با اخذ تأمین به صورت اقساطی به مشتری بفروشد.

اموال موضوع این تسهیلات شامل وسائل تولید، ماشین آلات و تأسیساتی می باشد که عمر مفید آنها بیش از یکسال باشد. منظور از طول عمر مفید انواع ماشین آلات در جدا.ول استهلاك مالیاتی نشان داده شده است.

بنا به تعریف تجهیزاتی که از آنها در تولید انواع محصولات استفاده می شود، «وسایل تولید» و وسایلی را که برای استفاده مطلوب از ماشین آلات و یا انجام فعالیتهای خدماتی مورد نیاز می باشند، به عنوان «تأسیسات» در نظر گرفته می شوند. موازین خرید و فروش اداری انجام این نوع از معاملات عیناً مانند فروش اقساطی مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار می باشد و فقط پاره ای تفاوت های اساسی به شرح ذیل وجود دارد:

۱- جهت اعطای تسهیلات از طریق فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات برای طرحهای تولیدی کشاورزی، صنعتی معدنی، و خدماتی لازم است طرح مزبور از لحاظ فنی، مالی و اقتصادی در حد نیاز بررسی و ارزیابی

شده و در صورت موجه بودن نتیجه امر مبادرت به عقد قرار داد شود.

۲- برای انجام معامله فروش اقساطی وسائل تولید، ماشین آلات و تأسیسات دریافت قسمتی از بهای مورد معامله از مشتری به عنوان پیش پرداخت نقدی حداقل به میزان ۱۰٪ برای بخش کشاورزی و ۱۵٪ برای بخش صنعت و معدن و ۲۰٪ برای بخش خدمات الزامی است.

۳- مدت وصول قیمت فروش اقساطی بانک در این قبیل معاملات نباید حداکثر از

عمر مفید ماشین آلات و تأسیسات موضوع فروش اقساطی تجاوز نماید.^۸ مبداء

محاسبه طول عمر مفید تاریخ شروع بهره برداری می باشد.

۴- به منظور حصول اطمینان از حسن اجرای قرار داد و وصول مطالبات، اموال

موضوع این معاملات باید در وثیقه بانک قرار دارد.

فروش اقساط سهم شرکت (مسکن تولیدی و خدمات)

همانطور که در مبحث «مشارکت مدنی» اشاره گردید. بانکها می توانند نسبت به

فروش تمام یا قسمتی از سهم شرکت خود به شریک اقدام نموده و متناسب موضوع

معامله (مسکن، تولید، خدمات) در چارچوب عقد مربوط، اقدام به اعطای تسهیلات

نمایند.

حسابداری فروش اقساطی

عملیات حسابداری مربوط به تأمین قسمتی از نیازهای مالی اشخاص حقیقی و

حقوقی مبنی بر فروش اقساطی ماشین آلات، وسائل، تأسیسات، مواد اولیه، لوازم

یدکی و ابزار کار برای امور تولیدی و خدماتی به شرح ذیل می باشد:

^۸- حیوانات نطبی گاو شیرده، گوسفند داشته، مرغ تخم گذاذ. زنبور عسل و نظایر آن از جمله وسایل تولید محسوب شده و طول عمر مفید آنها به تشخیص بانک اعضا کننده تسهیلات اعشاری تعیین گردد. د رهر صورت این سنت از پنج سال تجاوز نخواهد نمود.

۱- انعکاس قرارداد

پس از انعقاد قرارداد با مشتری به منظور خرید و فروش اموال مورد لزوم، قرارداد

منعقد در حساب انتظامی قراردادها به میزان یک ریال به شرح ذیل در دفاتر منعکس

خواهد شد:

بدهکار: حساب انتظامی قراردادهای فروش اقساطی.

بستانکار: طرف حساب انتظامی.

۲- پیش پرداخت فروش اقساطی

مبلغ دریافتی از مشتری به صورت پیش پرداخت به شرح ذیل در حسابها منعکس

می گردد:

بدهکار: حساب صندوق یا حسابداری مشتری.

بستانکار: حساب پیش پرداخت فروش اقساطی.

بدیهی است حساب پیش پرداخت در دفاتر معین به نام هر یک از مشتریان به

صورت جداگانه نگهداری خواهد شد.

۳- ثبت وثیقه

به منظور حصول اطمینان از انجام تعهدات مشتری و جلوگیری از زیان احتمالی.

بانک ممکن است وثائق اضافی علاوه بر کالای مورد معامله اخذ نماید. چنانچه وثیقه

اضافی اخذ و از وثیقه مورد نظر ارزیابی به عمل آمده باشد به مبلغ ارزیابی و در غیر

این صورت به مبلغ اسمی در حسابهای انتظامی به شرح ذیل ثبت می گردد:

بدهکار: حساب انتظامی و تائق فروش اقساطی.

بستانکار: طرف حساب انتظامی.

۴- انعکاس عملیات خرید و فروش اقساطی در دفاتر

خرید اموال

هر گونه پرداخت تدریجی و یا دفعه واحده که توسط بانک به منظور خرید کالا و

منظور فروش اقساطی صورت گیرد و در دفاتر بانک به شرح ذیل ثبت می گردد:

بدهکار: حساب اموال فروش اقساطی.

بستانکار: حساب صندوق و یا حساب گیرنده وجه.

فروش کالا به مشتری

هنگام تحویل و یا در اختیار قرار دادن کالا به مشتری اسناد لازم به شرح ذیل

صادر و در دفاتر منعکس می گردد:

بدهکار: حساب فروش اقساطی - تسهیلات اعطائی (به قیمت فروش).

بستانکار: حساب کالای فروش اقساطی (به قیمت تمام شده).

بستانکار: حساب درآمد سالهای آینده (معادل مایه التفاوت فروش و قیمت تمام

شده).

تبدیل حساب پیش دریافت

همزمان با ثبت حسابهای فوق الذکر حساب پیش پرداخت فروش اقساطی متناسب

با مبلغ تعهدات انجام شده به کل تعهدات بانک، تعدیل و برگشت خواهد شد. بدین

ترتیب همواره مانده حساب پیش پرداخت متناسب با مانده تعهدات بانک به کل

تعهدات بانک خواهد بود. بدیهی است در نهایت این حساب پس از انجام تعهدات

بانک باید به شرح ذیل تسویه گردد::

بدهکار: حساب پیش پرداخت فروش اقساطی.

بستانکار: حساب فروش اقساطی - تسهیلات اعطائی.

۵- تغییرات قرارداد

افزایش یا کاهش مبلغ قرارداد به هر دلیل مستلزم ثبت تغییرات در حسابهای بانک بر اساس این دستورالعمل ها خواهد بود.

۶- دریافت اقساط

وجوه دریافتی از مشتریان بابت اقساط عملیات فروش اقساطی به شرح ذیل در حسابهای بانک منعکس می گردد.

بدهکار: حسابجاری مشتری و یا حساب صندوق.

بستانکار: حساب فروش اقساطی - وجوه دریافتی.

افتتاح این حساب درآمدهای سالهای آینده فروش اقساطی در مواعد معین (مثلاً سه

ماهه، شش ماهه، نه ماهه، و یا در پایان سال به نحوی که در بانک متداول باشد) به

شرح بند ۹ این دستورالعمل صورت خواهد گرفت.

۷- عدم وصول به موقع اقساط

در صورت عدم وصول به موقع اقساط، مبالغ وصول نشده، از حساب فروش

اقساطی - تسهیلات اعطائی برگشت و طبق ضوابط، پس از گذشت موعد مقرر بدو

به حساب مطالبات سررسید گذشته - فروش اقساطی و نهایتاً به حساب مطالبات

معوق - فروش اقساطی به شرح ذیل انتقال خواهد یافت.

الف- بدهکار: حساب مطالبات سررسید گذشته- فروش اقساطی (معادل اقساط وصول نشده).

بستانکار: حساب فروش اقساطی - تسهیلات اعطائی.

ب- بدهکار: حساب مطالبات معوق- فروش اقساطی (معادل اقساط وصول در موعد مقرر).

بستانکار: حساب مطالبات سررسید گذشته- فروش اقساطی.

ج- هنگام وصول اقساط سررسید گذشته و یا معوق از هر طریق که صورت گیرد به ترتیب ذیل در حسابها عمل خواهد شد.

بدهکار: حساب صندوق و یا حساب جاری مشتری.

بستانکار: حساب مطالبات سررسید گذشته- فروش اقساطی و یا حساب مطالبات معوق- فروش اقساطی.

۸- تسویه حسابهای فروش اقساطی

الف- پس از خاتمه قرار دادها در صورتیکه تمام طلب بانک عملیات مربوط به فروش اقساطی وصول شده باشد اسناد لازم به شرح ذیل صادر و در دفاتر ثبت می گردد:

بدهکار: حساب فروش اقساطی - وجوه دریافتی.

بستانکار: حساب فروش اقساطی - تسهیلات اعطائی.

با ثبت اسناد فوق حسابهای تسهیلات اعطائی و وجوه دریافتی در رابطه با فروش

اقساطی پا به پا و تسویه خواهد شد.

ب- پس از خاتمه قرارداد در صورتیکه قسمتی از اقساط به موقع وصول شده باشد

و قسمتی وصول نشده باشد در این صورت اولاً عملیات حسابداری مربوط به آن

قسمت از اقساط وصول شده به شرح قسمت الف این بند صورت خواهد گرفت و

ثانیاً عملیات حسابداری مربوط به اقساط وصول نشده نیز یا قبلاً به شرح بند ۷ در

حسابها منعکس گردیده و یا به همان ترتیب مقرر در بند ۷ در حسابها منعکس

خواهد شد. بدین ترتیب حسابهای فروش اقساطی - وجوه دریافتی و فروش

اقساطی - تسهیلات اعطائی توبه می گردند.

پس از تسویه کامل حسابها و وصول مطالبات حساب انتظامی قراردادهای فروش

اقساطی و حساب اقساطی و ثائق فروش انتظامی موضوع بند اول ردیف یک و ردیف

سه این دستورالعمل برگشت خواهد شد.

۹- تعدیل درآمد سالهای آینده

در صورت لزوم در مواعد معین و قطعاً در پایان سال به منظور تعیین درآمد

فروش اقساطی و مشخص کردن میزان درآمدهای معوق فروش اقساطی حساب

درآمد سالهای آینده به شرح ذیل تعدیل خواهد شد:

الف- درآمدهای فروش اقساطی نسبت به اقساط وصول شده تعیین شده و به شرح

ذیل در حسابهای منعکس خواهد شد.

بدهکار: حساب درآمد سالهای آینده- فروش اقساطی.

بستانکار: حساب درآمد فروش اقساطی.

ب- درآمدهای فروش اقساطی نسبت به اقساط سررسید شده و وصول نشده تعیین

و از حساب درآمد سالهای آینده- فروش اقساطی خارج و به حساب درآمدهای

معوق - فروش اقساطی به شرح ذیل منظور می گردد:

بدهکار: حساب درآمد سالهای آینده- فروش اقساطی.

بستانکار: حساب درآمدهای معوق - فروش اقساطی.

ج- چنانچه تمام یا قسمتی از درآمد موضوع بند ب فوق در دوره های بعد وصول

گردد، به میزان مبالغ وصول شده اسناد ذیل صادر و در حسابها ثبت خواهد گردید.

بدهکار: حساب درآمدهای معوق - فروش اقساطی.

بستانکار: حساب درآمد فروش قطعی اقساطی.

۱۰- انعکاس عملیات فروش اقساطی در ترازنامه بانک

به طوریکه ملاحظه می شود دستورالعمل حسابداری فروش اقساطی طوری

تنظیم شده است که همواره در هر زمان مابه التفات حساب فروش اقساطی-

تسهیلات اعطائی از یک طرف با مجموع حساب فروش اقساطی - وجوه دریافتی و

حساب درآمد سالهای آینده - فروش اقساطی از طرف دیگر قسمتی از مانده بدهی

قطعی مشتریان بابت عملیات فروش اقساطی را نشان می دهد. از همین رو نتیجه

عملیات فروش اقساطی به شرح ذیل در ترازنامه منعکس می گردد.

حساب فروش اقساطی - تسهیلات اعطائی * * *

کسر می شود:

حساب فروش اقساطی - وجوه دریافتی * * *

حساب درآمد سالهای آینده - فروش اقساطی * * *

* * *

بدیهی است حساب مطالبات سررسید گذشته و معوق که بقیه بدهی مشتریان بابت

عملیات فروش اقساطی را تعیین می کند و همچنین درآمدهای معوق از این بابت نیز در

در ردیفهای مربوط به خود در ترازنامه منعکس خواهد گردد.

ویژگی ها:

خصوصیات عقد اجاره به شرط تملیک را می توان به ترتیب ذیل برشمرد:

۱- اجاره به شرط تملیک عقدی است و طرفین متعهد به انجام تعهدات خود طبق

قرارداد می باشند و نمی توانند قرارداد را فسخ نمایند مگر در موارد خیرات و یا

بنابر شرط ضمن عقد که طی آن اختیار قسح قرارداد برای یک و یا هر دو طرف پیش بینی شده باشد.

۲- نقش مستأجر، نقش امین بوده و او ضامن تلف شدن مورد اجاره نخواهد بود مگر در صورت تفریط و تعدی و یا در صورتیکه ضمن شرط ضمان منظور شده باشد.

۳- در عقد اجاره به شرط تملیک می توان هر شرطی را که مخالف ماهیت و مقتضای

عقد و نیز مغایر شرع مقدس اسلام نباشد در صورتی که مورد قبول و رضایت طرفین باشد در قرارداد منظور نمود. اهم شرایط ضمن عقد که علاوه بر شرط

ضمان و شرط اختیار فسخ برای بانک طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین

نامه و دستورالعمل اجرائی مربوط توسط بانکها در قراردادهای اجاره به شرط

تملیک منظور می شود عبارتند از:

الف- شرط مباشرت: یعنی اینکه مستأجر رأساً در استیفاء منافع از عین مستأجره (مگر

در مواردی قهری و اضطراری به تشخیص بانک) مباشرت نماید.

ب- شرط بیمه: بدین ترتیب که در طول مدت اجاره، عین مستأجره به هزینه مستأجر به نفع موجر بیمه شود.

۴- طبق دستورالعمل اجرائی، اجاره به شرط تملیک از تسهیلات میان و بلند مدت

اعتباری می باشد که جهت گسترش امور تولیدی و خدماتی و همچنین امر مسکن

قابلیت استفاده دارد. مدت اجاره به شرط تملیک نباید از طول عمر مفید^۹ آنها کمتر

از دو سال باشد برای بانکها مجاز نمی باشد.

۵- بانکها فقط به عنوان موجر و منحصرأ بنا به درخواست کتبی و تعهد متقاضی

^۹- مبدأ محاسبه طول عمر مفید تاریخ شروع بهره برداری به تشخیص بانک می باشد.

۲- ثبت پیش دریافت:

مبلغ دریافتی از متقاضی به عنوان پیش دریافت به شرح ذیل در حسابهای منعکس می

شود:

بدهکار: حساب صندوق یا جاری متقاضی.

بستانکار: حساب پیش دریافت - اجاره به شرط تملیک.

۳- ثبت وثیقه

در صورت اخذ وثیقه اسناد ذیل به مبلغ وثیقه صادر می شود:

بدهکار: حساب انتظامی و تائق - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: طرف حساب انتظامی.

۴- ثبت عملیات خرید:

هر گونه پرداخت تدریجی و یا دفعه واحده که توسط بانک به منظور خرید و یا تهیه

اموال موضوع قرارداد اجاره به شرط تملیک صورت می گیرد در دفاتر بانک به شرح

ذیل ثبت می شود:

بدهکار: حساب اموال - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب صندوق یا حساب جاری گیرنده وجه.

۵- واگذاری اموال به اجاره به شرط تملیک:

هنگام تحویل و یا در اختیار قرار دادن اموال موضوع قرار داد به مستأجر، معادل مبلغ

تسهیلات اعطائی بانک و درآمد حاصله از این مبلغ که بر اساس محاسباتی تعیین خواهد

شد که طبق قرارداد از مستأجر دریافت خواهد گردید و به حساب وجوه استیجاری

سالهای آینده و حساب تسهیلات اعطائی - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب وجوه استیجاری سالهای آینده - اجاره به شرط تملیک.

۶- دریافت مال الاجاره:

وجوه دریافتی از مستأجر بابت اقساط اجاره به شرط تملیک به ترتیب ذیل در حساب

های بانک منعکس می گردد:

اول- دریافت اقساط

اقساط مال الاجاره طبق سند ذیل از مستأجر وصول می گردد:

بدهکار: حساب صندوق یا حساب جاری مستأجر.

بستانکار: حساب وجوه دریافتی - اجاره به شرط تملیک.

تعدیل حساب پیش دریافت

حساب پیش دریافت متناسباً مبلغ تعهدات انجام شده به کل تعهدات بانک تعدیل و

برگشت می شود:

بدهکار: حساب پیش دریافت - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب وجوه دریافتی - اجاره به شرط تملیک.

۷- عدم وصول به موقع اقساط اجاره:

در این موارد معادل مبلغ وصول نشده از حساب تسهیلات اعطائی اجاره به شرط

تملیک برگشت و طبق ضوابط پس از گذشت موعد مقرر ابتدا به مطالبات سررسید

گذشته و نهایتاً به حساب مطالبات معوق اجاره به شرط تملیک و به شرح ذیل در

حساب های بانک منعکس می گردد.

بدهکار: حساب مطالبات سررسید گذشته و یا حساب مطالبات معوق - اجاره به شرط

تملیک.

بستانکار: حساب تسهیلات اعطائی اجاره به شرط تملیک.

همزمان با ثبت اسناد حسابداری فوق مبلغ پیش دریافت مربوط به اقساط معوقین تعدیل

می گردد.

بدیهی است در صورت وصول مال الاجاره های معوق اسناد فوق الذکر برگشت و به ترتیبی که در مورد دریافت اقساط مقرر گردیده عمل می شود و هر وجه دریافتی بابت جریمه دیرکرد به حساب درآمد بانک منظور می گردد.

۸- تعدیل حسابهای اجاره به شرط تملیک:

مال الاجاره اموال واگذار شده به صورت اجاره به شرط تملیک که به اقساط از مستأجر دریافت می شود، از دو قسمت تشکیل یافته است:

یک قسمت آن بابت برگشت اصل وجوه پرداختی بانک برای خرید (قیمت تمام شده) اموال می باشد که به نسبت اقساط مال الاجرا دریافتی، در حسابی تحت عنوان «حساب وجوه استهلاکی» - (اجاره به شرط تملیک) منظور می گردد.

به طوریکه در پایان قرارداد و وصول کلیه اقساط مال الاجرا مانده این حساب معادل مانده حساب اموال - اجاره به شرط تملیک خواهد شد که با یکدیگر پایپای می

شوند. قسمت دیگر آن بابت درآمد اجاره به شرط تملیک می باشد که نسبت به اقساط وصول شده محاسبه و ابتدا به حساب درآمد - اجاره به شرط تملیک و سپس به حساب سود و زیان بانک منظور می گردد.

ضمناً در صورتیکه تعدادی از اقساط مال الاجاره در پایان سال و هنگام تعدیل حساب ها وصول نشده باشد و مبالغ مربوط قبلاً در حساب مطالبات سررسید گذشته و

یا حساب مطالبات معوق- اجاره به شرط تملیک منظور شده باشد، تعدیلات لازم به

میزان مبالغ مذکور به شرح ذیل در حسابهای مربوط به عمل خواهد آمد:

بدهکار: حساب وجوه استیجاری سالهای آینده- اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب اجاره معوق- اجاره به شرط تملیک.

همزمان با سند فوق معادل پیش دریافت مربوط به اقساط معوق اسناد حسابداری ذیل

صادر می گردد.

بدهکار: حساب وجوه استیجاری سالهای آینده- اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب وجوه استهلاکی- اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب درآمد- اجاره به شرط تملیک.

بدیهی است در صورتیکه وجهی بابت مطالبات سررسید گذشته و یا معوق وصول شده

باشد، حساب اجاره معوق به میزان مذکور تعدیل و به تناسب بین وجوه استهلاکی و

درآمد به شرح ذیل خواهد شد:

بدهکار: حساب اجاره معوق- اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب وجوه استهلاکی- اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب درآمد- اجاره به شرط تملیک.

۹-تسویه حساب های اجاره به شرط تملیک:

پس از خاتمه قرار داد و یا قبل از خاتمه آن در صورتی که قرارداد کاملاً اجرا و تمام اقساط اجاره بها وصول و کلیه تعهدات دیگر مستأجر طبق قرارداد اجاره به شرط تملیک کاملاً انجام شده باشد، حسابهای اجاره به شرط تملیک به شرح ذیل تسویه خواهد شد:

اول- تسهیلات اعطائی

بدهکار: حساب وجوه دریافتی - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب تسهیلات اعطائی - اجاره به شرط تملیک.

دوم- اموال

بدهکار: حساب وجوه استهلاکی - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب اموال - اجاره به شرط تملیک.

بابت اسناد حسابداری فوق الذکر کلیه حسابهای اجاره به شرط تملیک در دفاتر بانک

تسویه گردیده و اموال مورد اجاره به مالکیت مستأجر درخواهد آمد.

سوم- برگشت حسابهای انتظامی

با تسویه حساب های اجاره به شرط تملیک، حسابهای انتظامی وثائق و قرارداد

برگشت خواهند شد.

چهارم- واریز قبل از موعد

در صورتیکه مستأجر طبق قرارداد نسبت به واریز تمام اقساط باقیمانده مال الاجاره و انجام کلیه تعهدات دیگر خود طبق قرارداد اجاره به شرط تملیک قبل از پایان مدت قرار داد مربوط اقدام نماید عملیات تسویه انجام و چنانچه بانک تخفیفی برای مستأجر

قائل شده باشد به شرح ذیل ثبت می گردد:

بدهکار: حساب تخفیف اعطائی - اجاره به شرط تملیک.

بستانکار: حساب تسهیلات اعطائی - اجاره به شرط تملیک.

فصل نهم - سلف

مقدمه

در وقفه «سلف» مترادف است با «سلم» و هر دو یک مفهوم رایبان می کنند. بدینگونه معامله سلف ید سلم، بیعی است که در آن ثمن نقد و حاضر و مبیع به ذمه و مؤجل باشد.^{۱۰}

مستند قانونی معامله سلف، علاوه بر ماده ۳۴۱ قانون مدنی، که قبلاً در مبحث فروش اقساطی مورد بررسی قرار گرفت، ماده ۳۵۰ قانون مذکور می باشد که حالات مختلف مبیع را تبیین می نماید. به موجب این ماده:

«مبیع ممکن است مفروز باشد یا مشاع یا مقدار معین به طور کلی از شیئی متساوی الاجزاء و همچنین ممکن است کلی و فی الذمه باشد».

معامله سلف یا سلم از مصادیق قسمت اخیر ماده فوق الذکر می باشد یعنی این نوع معامله مبیعی است مشروط که مبیع آن کلی و در ذمه بوده و برای تسلیم آن موعدی مقرر شده است.

^{۱۰}- فرهنگ اصلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات) تحقیق و نگارش محسن جابری عربلو انتشارات.

با امعان نظر در چارچوب کلی این تعریف ماده ۴۰ آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا «معامله سلف» را «پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین» (با توجه به ضوابط شرعی) توصیف می نماید.

ویژگی ها

خصوصیات معامله سلف را، مستنداً به تعریف کلی آن، می توان به ترتیب ذیل بر شمرد:

۱- معامله سلف، با عنایت به ماهیت حقوقی آن، عقدی است لازم و بنابراین فسخ آن جز در موارد مصرحه در قانون مدنی امکان پذیر نیست.

۲- ویژگی اصلی معامله سلف یا سلم تأمین سرمایه در گردش (نقدی) مورد نیاز واحدهای تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی) اعم از حقیقی یا حقوقی است.

از طریق پیش خرید محصولات اینگونه واحدها به قیمت معین، وقتی که در جریان

تولید کالا، تولید کننده دچار کبودهائی در تأمین قسمتی از سرمایه در گردش مورد نیاز باشد، مشکل او رفع می گردد. بنابراین، خرید «کالاهای موجود» متقاضی که بنا بر دلائلی

که در شرائط روز قابل عرضه در بازارهای داخلی و یا خارجی نمی باشد، مشمول معامله سلف یا سلم نخواهد بود. به عبارت دیگر، معامله سلف در مورد محصولاتی

است. در مورد محصولاتی است که نیاز پولی متقاضی الزاماً عرضه در بازارهای داخلی

یا خارجی نمی باشد، بدین معنی که قسمتی از هزینه تولید کالا از توسط متقاضی انجام و تنها بخشی از سرمایه در گردش برای تولید محصول نهائی به صورت معامله سلف در اختیار او قرار می گیرد که در این مورد با بررسی هائی که انجام می گیرد باید نیاز واقعی متقاضی به انجام سلف مشخص شود.

۳- دائر بودن و در مرحله بهره برداری قراردادشتن واحد تولیدی که لازمه تحقق شرط مذکور در بند (۱) فوق می باشد.

۴- بانک در صورتی مجاز به پیش خرید محصولات تولیدی می باشند که زمان تحویل

کل محصول به بانک از تاریخ انجام معامله حداکثر معادل یک دوره تولید باشد، مشروط بر اینکه به هر حال از یکسال تجاوز نکنند.

۵- وجه معامله سلف باید نقداً و یکجا تحویل شده و محصولات مورد معامله سلف مستقیماً توسط واحد تولیدی طرف قرارداد تولید گردد.

ضوابط اجرایی

طبق دستورالعمل اجرائی معاملات سلف، بانک می تواند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی باشد منحصرأ درخواست اینگونه واحدها مبادرت به پیش خرید نقدی محصولات تولیدی آنها بنماید.

پیش خرید محصولات واحدهای تولیدی در صورتی مجاز است که مقدار، نوع، قیمت و سایر مشخصات متعارف محصولات مورد معامله معین و معلوم باشد و بهای آن نقداً از

طرف بانک پرداخت گردد و از طرفی محصول معامله باید:

۱- توسط خود شخص متقاضی تسهیلات سلف تولید شود.

۲- سریع الفساد نباشد مگر اینکه امکان اقدامات احتیاطی لازم جهت جلوگیری از فساد در فاصله تحویل و فروش وجود داشته باشد.

۳- سهل البیع باشد، یعنی آنکه هنگام پیش خرید این اطمینان وجود داشته باشد که

محصولات تولیدی مورد معامله در سررسید تحویل به سهولت قابل فروش است.

مدت معامله سلف حداکثر معادل یک دوره تولید می باشد مشروط بر اینکه از تاریخ

یکسال تجاوز ننماید و منظور از آن زمانی است که از تاریخ انجام معامله تا تاریخ

تحویل کل محصول پیش خرید شده به طول می انجامد.

ترتیب، محل و زمان تحویل کالای پیش خرید شده نیز باید به دقت معلوم و معین

شده و بهای پیش خرید محصول به جزء و کل مشخص شود. بهای پیش خرید

محصولات در هر حال و هر صورتی که باشد، به هیچ وجه نباید از بهای نقدی فروش

آن محصولات در زمان انجام معامله سلف بیشتر باشد. در محاسبات پیش خرید

محصولات واحدهای تولیدی، حداقل بهای فروش تولیدکننده در محل تولید (قیمت

فروش درب کارخانه در واحدهای صنعتی و قیمت فروش سرچالیز در واحدهای

کشاورزی) باید ملاک و مبنای کار قرار گرفته و پس از تعیین بهای فروش کل محصولات با استفاده از فرمول مرابحه ساده بهای پیش خرید محصولات تعیین گردد.

بهای پیش خرید محصول مورد معامله پس از امضاء قرارداد و اخذ تأمینات مقرر یکجا به حساب مشتری منظور می شود.

در پیش خرید محصولات باید توجه داشت که منظور از معامله سلف، خرید محصول معین موجود در خارج نیست بلکه محصولی است که وصف و مقدار آن از قبل معین است ولی خود آن هنوز ایجاد نگردیده است.

فروش محصولات تولیدی پیش خرید شده قبل از سررسید تحویل ممنوع می باشد مگر اینکه مبیع قبل از سررسید به بانک تحویل شده باشد. فروش این قبیل محصولات پس از سررسید تحویل حتی قبل از تحویل مجاز می باشد.

کالای پیش خرید شده می باید پس از تحویل در اسرع وقت به فروش برسد و در این رابطه این امکان وجود دارد که خود مشتری به عنوان امین بانک در فروش

محصولات مورد معامله با بانک همکاری نماید. در هنگام عقد قرارداد، نمی توان خود مشتری را به عنوان وکیل ملزم نموده که کالای مورد معامله را در سررسید به وکالت از طرف بانک به فروش برساند.

در مواردی که فروش پیش خرید شده به طور نقدی و بلافاصله پس از تحویل کالا و در محل تحویل آنها مقدور نباشد فروش آنها به سایر طرق ممکن منجمله به طور اقساطی ممکن می باشد.

در بررسی تقاضاهای مشتریان برای پیش خرید محصولاتشان لازم است موارد ذیل را مورد توجه قرار گیرند:

۱- مورد مصرف تسهیلات درخواستی معین و اطمینان حاصل شود که صرفاً جهت تأمین بخشی از سرمایه در گردش (نقدی) متقاضی بوده و امکان تأمین نیازهای مزبور با استفاده از سایر عقود به سهولت مقدور نمی باشد.

۲- مقدار کالای مورد معامله از توان و ظرفیت تولید متقاضی در مدت قرارداد خارج نبوده و از لحاظ فنی تولید و تحویل کالای پیش خرید شده در مواعد مقرر ممکن باشد.

۳- مشتری بابت محصول پیش خرید شده توسط بانک وجوه دیگری از سایر خریداران به عنوان خرید اخذ ننموده و یا از تسهیلات جهت تولید آنها استفاده نکرده و قادر باشد در سررسید کالا را تحویل داده و بانک با وجوه حاصل از فروش کالا، مطالبات خود را وصول نماید.

در معاملات سلف، به منظور حصول اطمینان از انجام تعهدات مشتری و جلوگیری از زیان احتمالی اخذ تأمین کافی الزامی است.

حسابداری سلف

مراحل و عملیات صدور اسناد حسابداری در معاملات سلف از قرار ذیل است:

الف- ثبت قرارداد:

قرارداد معاملات سلف به مبلغ یک ریال به ترتیب ذیل ثبت می شود:

بدهکار: حساب انتظامی قراردادهای معاملات.

ب- ثبت وثیقه:

وثائق دریافتی از مشتری به مبلغ سند وثیقه به ترتیب ذیل در دفاتر ثبت می شود:

بدهکار: حساب انتظامی وثائق معاملات سلف.

بستانکار: طرف حسابهای انتظامی وثائق معاملات.

پرداخت بابت معاملات سلف:

مبلغ پرداختی بابت بهای پیش خرید محصولات مورد معامله به شرح ذیل در دفاتر

منعکس می شود:

بدهکار: حساب معاملات سلف.

بستانکار: حساب صندوق یا حساب گیرنده وجه.

د- تحویل کالا:

پس از تحویل کالا، اسناد ذیل صادر می شود:

بدهکار: حساب کالا- معاملات سلف

بستانکار: حساب- معاملات سلف.

چنانچه بانک برای محصولات تولیدی خریداری به هر عنوان هزینه های از قبیل حمل و

نقل و انبارداری بیمه و پرداخت نماید به شرح ذیل در حسابها منعکس می گردد:

بدهکار: حساب کالا- - معاملات سلف.

بستانکار: حساب صندوق و یا حساب گیرنده وجه.

ه- برگشت حساب های انتظامی :

پس از تحویل کالا به بانک توسط مشتری حسابهای انتظامی قرارداد و ثائق برگشت

می شود.

فروش کالا:

پس از فروش محصولات تولیدی برحسب مورد عملیات حسابداری به شرح ذیل در

دفاتر منعکس می گردد:

بدهکار: حساب صندوق یا حساب جاری خریدار.

بستانکار: حساب کالا - معاملات سلف.

در صورتیکه مانده نهائی حساب کالا بستانکار باشد حاصل سود بوده و به شرح ذیل در

دفاتر ثبت می شود:

بدهکار: حساب کالا - معاملات سلف.

بستانکار: درآمد معاملات سلف.

و چنانچه مانده نهائی حساب کالا بدهکار باشد ماحصل زیان بوده و به شرح ذیل در

دفاتر منعکس می شود:

بدهکار: حساب زیان معاملات سلف.

بستانکار: حساب کالا - - معاملات سلف.

ز- عدم تحویل کالا:

در صورتیکه در مهلت مقرر کالا به بانک تحویل نگردد و مبلغ پرداختی بابت پیش

خرید محصولات تولیدی وصول نگردد حساب پیش خرید محصولات تولیدی باید به

حساب مطالبات معوق منتقل گردد.